

روانکاوی کودکان خردسال



پسر بچه پنجساله‌ای دچار ترس بی جهت شده بود تا آنجا که آن بچه چایک و باهوش نمی خواست در معابر راه برود. طفل مذکور از اسب میترسید و روانکاو پس از مباحثه با پدر کودک دریافت که او در واقع از پدرش که بصورت اسب در نظرش مجسم میشد می ترسید و دلیل آن این بود که مادرش را خیلی دوست میداشت و تصور میکرد که بعلت میداشت شدید او به مادرش، پدرش از او بدش می آید و وقتی او را متوجه ساختند که واقعیت از این قرار نیست و پدرش او را دوست میدارد آرامش و سلامت خود را بازیافت. روانکاو و مربی کودک موجودی است که تکامل آن ناتمام است و غالباً "مسائل روانی که موجب هدایت او بسوی روانکاو میگردد تاخیر در رشد و عقب افتادگی از لحاظ درس است و طبعاً" اولیا عجله دارند که علائم عقب



(از مجله آموزش اولیام) ترجمه
محمدکاری

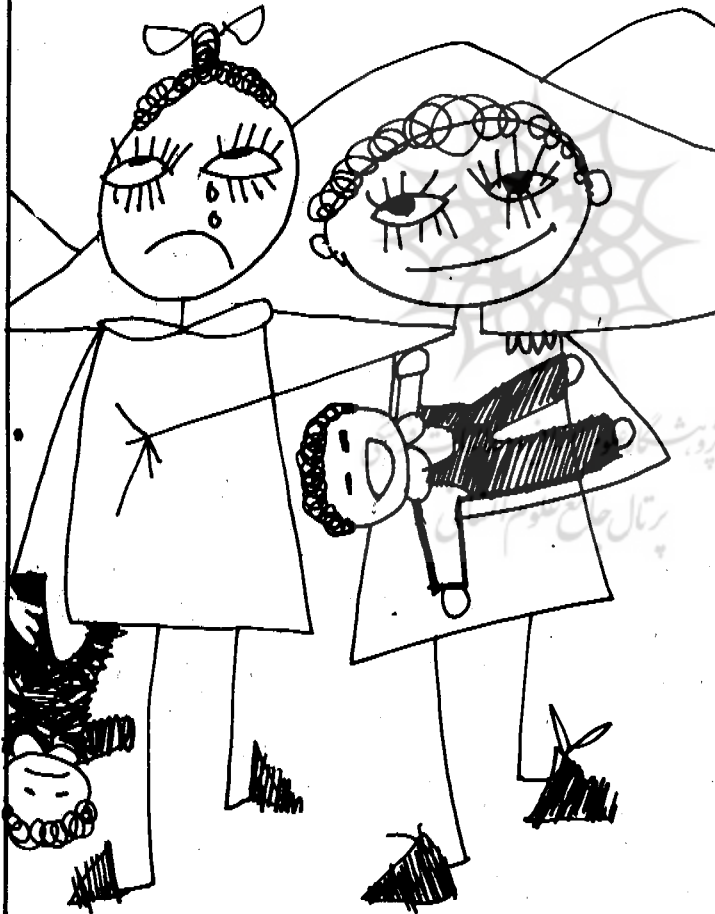
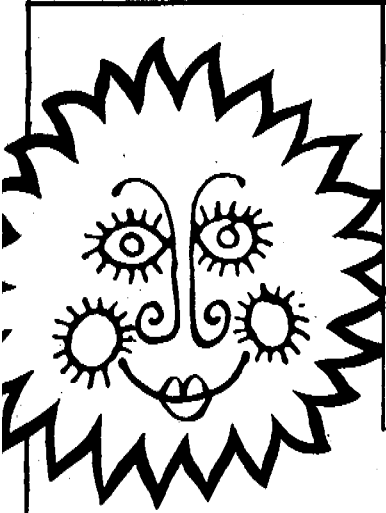
روانکاو می‌آورد روابط زود رسی که الزاما" در مورد پدر و مادر واقعی کودک مصداق پیدا نمی‌کند. گاهی اولیای دیدن رفتار خشونت آمیز کودک خود با عروسکهایش تعجب میکنند. مثلا" وقتی مشاهده مینمایند طفل عروسک خود را تک میزند و بزور او را وادار به خوردن میکند ، در صورتیکه پدر و مادر

افتادگی کودک هرچه زودتر رفع و خاطر آنان از این بابت آسوده گردد .

معمولا" روانکاو به جهان خیالی کودک میپردازد و از ملاقات و تماس با کسانی که در زندگی روزمره از او مراقبت مینمایند اجتناب میکند تا تحت تأثیر موازین و الگوها و مقتضیات و سرخوردگیهای احتمالی که مریبان از کودک دارند قرار نگیرد. با وجود ارتباط بین روانکاو و مریب بخصوص در مورد کودکان ۷ تا ۸ سال (تحت پاره‌ای شرایط) سودمند می تواند باشد . بهرحال لازمه این تماس اینست که مریب خود را روانکاو تصور ننماید و روانکاو نخواهد کار مریب را انجام دهد .

روانکاو و اولیاء

طبق نظر یکی از روانکاوان مبنای نظری روانکاوی عبارت از اینست که کودک خیلی زود در وجود خود "اشیاء درونی" میسازد یعنی تصاویری که قسمتی از آنها از اشخاص حقیقی اطراف او و قسمتی از عوامل و نیروهای محرکه داخلی او نشاءت میگیرند. کودک، فارغ از تعلقات و بستگی‌های مادی و عاطفی پدر و مادر خود، روابطی خیالی و زائیده‌وهم ، با خود نزد





همکاری موجب میشود که هیجانات مبهمی که او را احاطه نموده است جهت و مفهوم پیدا کند .

تکنیک روانکاوی کودک

از آنجا که کودک تا سنین نوجوانی نمی‌تواند مانند یک فرد بزرگسال از قوه بیان برای انتقال و توضیح افکار خود استفاده نماید لذا باید از وسایل دیگری نظیر نقاشی - بازیها - قالب سازی از خمیر و موم و غیره مدد گرفت . بدین ترتیب کودک انواع اسباب بازی - مداد - خمیر و چسب در اختیار دارد . بین ۷ سالگی و سن بلوغ بیان تخیلی و سمبولیک کودک نقصان میگیرد و کودک بیشتر به بازیها و فعالیت‌های مرتبط با درس و مدرسه اظهار علاقه مینماید . این فعالیت‌ها اگر چه ظاهراً جنبه اجتماعی دارند (نظیر بازی جنگ دریائی یا نقاشی از روی تمونهای که در مدرسه

چنین رفتاری با خود اونداشته‌اند . بسیار دیده شده کودکی که پدر و مادر باگذشت و مهربانی دارد تصاویر پدر و مادری سخت‌گیر و خشن را در ذهن خود مجسم میکند و روانکاو کودک ، در واقع به همین "اشیادرونی" که کودک را رنج میدهد توجه دارد و به بررسی آنها می‌پردازد .

روانکاو بدون کمک و همراهی پدر و مادر نمیتواند کار کند و هر قدر سن کودک کمتر باشد این همکاری بیشتر ضرورت پیدا میکند بنحویکه در مورد نوجوانان حضور اولیا معمولاً ضرورت ندارد . بهرحال روانکاو نیاز به آگاهی از تاریخچه زندگی بچه دارد که پدر و مادر باید برایش تعریف کنند مضافاً بر اینکه وضع روحی و عصبی کودک همیشه مرتبط با وضع روحی و عصبی پدر و مادرش میباشد .

روانکاو و کودک

برخورد کودک با روانکاو متفاوتست . اگر کودک دچار ترس شود امکان دارد رفتاری مبتنی بر امتناع بصورت تهاجم یا سکوت یا سرسری گرفتن موضوع داشته باشد . کودک دلهره و نگرانیهای خود را به کسی ابراز نمیکند که از او نترسد و ایمن

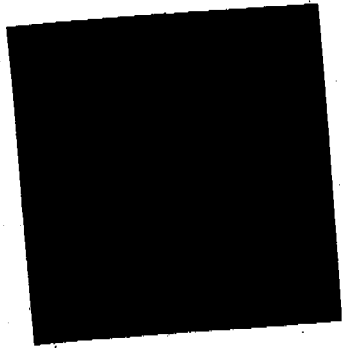
داده میشود . ولی بهر حال باری از عاطفه همراه دارند و مبین قوای محرکه‌ای هستند که میتوان در چهار جوی تحلیلی آنها را روشن ساخت . بدین ترتیب ضمن بازی گاهی " مادر جادوگر بد جنس " که کودک از او می‌ترسد و گاهی فرشته‌ای که همه خواسته‌های او را بر آورده میسازد گاهی پدری که مرتباً " امر و نهی مینماید و گاهی نیز امیال سرکوفته خود بچه (نظیر طفل کوچک حریص یا کودکی که همه چیز را کشف میکند و غیره) نمایان میگردد .

شود تا پدر، وجود ندارد و تجربه نشان داده است که در اکثر خانواده‌ها در اختلالات کودک پای پدر بیش از سایر اعضا خانواده بمیان می‌آید. منتهی پدران کمتر در دسترس قس‌رار دارند و یا شاید روانکاوان در مورد آنان توقعشان کمتر است.

بدین ترتیب مادر و کودک از نظر مسائل مربوط به روانکاوای طفل بصورت دو فرد جدائی ناپذیر مطرح می‌گردند و بویژه مادر که مرکز و مرجع برای کلیه مسائل کودک میباشد.

روحي پدر و مادرش دارد. کودک خردسال به تنهائی قدرت جسمانی درک رویدادها و تجسم فکری آنچه را که جلوی چشمش حاضر نیست ندارد.

بدین جهت روانکاو نمیتواند کودک خردسال را از پدر و مادرش جدا سازد و ناگزیر است با آنها نیز کار کند. طی سالیان اخیر صحبت از " روان درمانی مادرو کودک " و نیز " روان درمانی پدر و کودک " در میان است زیرا هیچ دلیل تئوریک از لحاظ توجیهی اینکه بیشتر در مورد مادر دقیق



روانکاوای کودکان خردسال

روانکاوای در مورد کودکان خردسال - کودکان مبتلا به عوارض روحی و روانی و دارای کمبودهای فکری، بیشتر مورد توجه و علاقه بوده و همین گرایش و تلاش موجب تغییراتی در تکنیک روانکاوای میگردد. روانکاوای کودکان خردسال متضمن ترتیبات متفاوتی است زیرا غالباً " مرتبط با کودکانیست که هنوز حرف نمی‌زنند و بازی بصورت سمبولیک نمی‌نمایند. روانکاو سعی میکند فعالیت‌های مختلف کودک را مورد دقت و بررسی قرار داده و آنها را تجزیه و تحلیل نماید و احیاناً " به نتایج دست یابد.

هر طفل خردسالی، از نظر زندگی مادی و عاطفی، در یک وابستگی تقریباً " کامل نسبت به بزرگسالان قرار دارد حتی قدرت و توان تفکر و مجموعه حالات روحی او ارتباط فزاینده با حالات

